



درباره حسین علیزاده

حسین علیزاده، متولد ۱۳۲۰ تهران نوازنده و آهنگساز فارغ التحصیل هنرستان موسیقی ملی و دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران به سرپرستی دکتر اردیوش مسعود و نواز علی پرومند.



نواز علی پرومند، یوسف فروتن، عبدالله دومی، هوشنگ ظریف و ...

راه اندازی گروه عارف و همکاری با گروه شویدا

همکاری در تشکیل گروه جاووش و ساخت قطعاتی همگام

با مفاهیم انقلاب و سرپرستی و آهنگسازی بسیاری از

قطعات این گروه

تیمت به آلمان و ادامه تحصیلات موسیقی در بعد از

انقلاب

بانگش به ایران در اواسط دهه شصت و شروع فعالیت های

منسجم موسیقایی

برخی از آثار او عبارتند از:

نی نوا، سوراوان دشت امید، حصار، ترکمن، راز و نیاز،

و در ترکیب: لاک پشت ها هم پرواز می کنند و ...

صدای محمدرضا شجریان، سلا، نه، به تماشای آب های

سپید و ...

و در زمینه موسیقی فیلم: دلشدگان، گیمه، زمانی برای

مستی اسپرها، لاک پشت ها هم پرواز می کنند و ...

آثار مکتوب و آموزشی: دستور سه تار، ده قطعه برای تار،

اجرای ردیف میرزا عبدالله و ...

حسین علیزاده، یک سیاحتی سنگینی تأثیر دنیای موسیقی است. یک پند همیشه

و همیشه پرورش که انگار به هیچ مرحله ای قانع و راضی نمی شود و همیشه

جستجوی راههای دیگری است که دیگران نرفته اند. علش شدید او به جویویی

و عیان او در عادت مکتبی، از او چه راهی «بت وارده» های جوانهای اهل موسیقی ساختند

است. جوانانی که مثل او تار و سه تار می زدند، از روی دست او آهنگ می سازند و

می خواهند به شیوه او زندگی کنند. حسین علیزاده شاید تنها هنرمند موسیقی ایرانی

است که هواداران جوان و پرشور او، محدود به نوازندگان تار و سه تار و موسیقی ایرانی

نیست، چه بسیار دیده شده که تنها ما مطرح بین جوانهای اهل موسیقی های پاپ و راک

و ماموستا و اگر از آنها بپرسید که هنرمند مورد علاقه و مورد تأییدشان در موسیقی

ایرانی را نام ببرند بدون شک نام حسین علیزاده را خواهند برد. بیشتر این افراد با موسیقی

ایرانی بیجان اخت و آشنا نیستند و شاید حتی آثار علیزاده را هم زیاد شنیده باشند، ولی

مجدوب و مرموع و شخصیت کاریزماتیک و اشتیاقی شگفت انگیز او به ایجاد حرکت و هیجان

و حصار کشی هستند.

نشانه شناسی شخصیت و عملکرد حسین علیزاده، هنرمند تار و موسیقی ایرانی در

سی سال گذشته، بسیار متفاوت با آن عادت همیشگی در شناخت شخصیت و رفتار

موسیقیدانانی است که به موسیقی ردیف دستگاهی و نغمه های گوناگون وابسته بدان

گرایش های متوجع معاصر وابسته اند. این تفاوت، به نوع نگاه او در ارتباط با زندگی

با طبع به موسیقی، و نیز توجه او به بحران های اجتماع پر آشوب ایران در سی سال گذشته

به تماشای آب های سپید



مربوط می شود. موسیقیدانان هم نسل او، کمابیش این حساسیت های اجتماعی و سیاسی را داشتند ولی در علیرضا این حساسیت ها به طرز آشکاری در موسیقی او شنیده می شود و نیز در گفت و گوهایی که در ک موسیقی او بدون خواندن آن حرفها، شنواری و مهم است. نقل گفته یکی از بزرگترین موسیقیدانان ایرانی که به قول خود بیست سال تمام همراه با علیزاده در یک سنگزار از حیثیت موسیقی ایرانی قانع کرده ایم، درباره این دوست هنرمند، می تواند روشنگر باشد: موسیقی علیزاده از یک طرف در پیوند با درون پرهیجان او و از طرف دیگر در ربط مستقیم با جریان های سیاسی و اجتماعی همان خود است. موسیقی او از تلاش یک هنرمند با استعداد برای آمده به خصوص، او در آهنگسازی بسیار موفق است. تفاوت ظاهری درباره آثار او از تاریخ و آینده خواهد کرد. در زمانی که ارجاعات اجتماعی و سیاسی از موسیقی او برخیز برسته باشند.

حسین علیزاده، فرزند خانواده ای آذربایجانی تبار و ساکن جنوب شهر تهران (محمدرضا صراف الدین بازار) است. در خانواده آنها موسیقی ناپسند شمرده نمی شد و شرایط عاطفی و فرهنگی برای موسیقی او ممتنع میها بود. برادر بزرگ او نیز تحصیل کرده موسیقی و مشیم خارج از کشور است. اولین معلم موسیقی او در دبستان حافظ استاد هوشنگ ظریف بود که بعدها در هنرستان، اولین معلم تار او نیز شد. انتخاب تار به جای ویولون، جزئی از سرنوشت او بود و در مقاله ستایش انگیزی که به قلم آقای دکتر ساسان قاضی در فصلنامه ماهور درباره حسین علیزاده نوشته شده، به درستی آمده که: آن زمان عصر ویولون بود و ویولون، ساز محبوب نوازندگان تار و او هم وقت از انتخاب تار به جای ویولون، پشیمان نشد، هنگامی که علیزاده در هنرستان تار استاد اکبر شهنشاهی هنرآموز می کرد، عصر نوازی موسیقی دستگاهی ایران، کم کم فرا می رسید و زمینه ای فراهم می شد که صدای دیگری از موسیقی ایرانی چنین انداز شود. مسلماً در این سدهای تازه، ویولون و ویولون جای نداشتند. به هر تقدیر علیزاده در محضر استاد علی اکبر شهنشاهی، با تکنیک عالی و صیقل تار نوازی آشنا شد و منش اخلاقی و علاقه پدانه استاد، در او تأثیری نیکو به جا گذاشت: اما از شهنشاهی موسیقی پزیرمده ای یاد نگار نمی برد. هر چه بود نشاط و تحرک بود، خودگردی و افسردگی. استادان دیگری هم بودند که هر کدام یک

از شخصیت او را شکل دادند. از جمله حمزه کریمی در کلاسهای آواز، و شیدا قرچه داغی، آهنگساز فرهنگه ای که در کلاسهای موسیقی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان حضور داشت و تب و تاب های تحول شخصیت هنرمند بودن در سالهای سخت جوانی به درستی درمی یافت و او را راهمایی می کرد. علیزاده در هنده سالگی در کارکسترهای وزارت فرهنگ و هنر به عنوان نوازنده استخدام شد و به اولین آرزوی درونی خود رسید: سهرل تر کرن بارملی در فرخوانده و رسیدن به استقلال مالی نسبی ای که مشقت و تلاش مماش را برای پدر زحمتکش و صاحب دل او، قدری کاهش می داد. گذشته از محیط مناسب هنرستان که سرشار از استادان خوب و همسازگردی های با استعداد بود، محیط دیگری نیز برای رشد و پرورش تخیل می مزم حسین علیزاده، آغوش آزاد و فانتزی بی انتهایی ذهن هنرمندی جسور و حصار شکن چون او را نمایان می کند.

بعد از هنرستان، ادامه زندگی هنری او در محیط گروه موسیقی دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) و مرکز حفظ و اشاعه موسیقی گذشت، همچنین در محافل هنری

خصوصی اساتید بزرگی چون نورعلی پرومند، عبدالله دومی و یوسف فروتن که طرز زیبایی موسیقی اصل را می یارند و به او فرصت بیشتری را می داد. بیشتر این اساتید کهنسال به مرکز حفظ و اشاعه هم می آمدند و در دانشگاه نیز وجود استادان خوبی مثل محمدرضا مسعود، مهدی پر کشلی و هرمز فرخت، فرصت برای آموختن را افزونتر می کرد. در این سالها بود که او در جشن هنر شیراز اجراهای موفقی را روی صحنه آورد. اولین شاهانه فکر خلق نوآر و نیز در همین سالها نمایان شد: از جمله، نخستین اجرای گروهی از خرم چهارمضرب (الای پیتر فرانسه، که هنوز در یادها و خاطره ها مانده تازه از پایان نامه او نیز «مشوری در دستگاههای موسیقی ایرانی» بود که چند سال بعد، به چاپ رسید. در همان زمان هم علیزاده استعداد خود را محدود به تقلید و تکرار فرم های گذشته نمی کرد و در جست و جوی راههای تازه تر بود. در زندگی او نیز این تنوع وجود داشت. هم ردیف میرزا عبدالله را درس می داد و هم با علاقه به پر تنده آنتین، از استراوتسکی گوش می سپرد و هیچ گوشه ای از جهان موسیقی و زندگی را نادیده و ناچشیده نمی گذاشت. ضمن این که در جریان های اجتماعی ایران بر تن و تاب سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷ نیز تماشایی متغیل و بی تفاوت نبود. بلکه با جدیت و خروش بسیاری در آن دخالت داشت. قطعه «حصار» را هنگامی که در خدمت سرابری به سر می برد، ساخت و نیز سوراوان دشت امید، را که یادگار سالهای مبارزه و امیدواری او برای آینده هستند. بعد از شکل گرفتن کانون فرهنگی هنری جاووش و تشکیل گروههای شیدا و عارف، او و محمدرضا لطفی به عنوان علاقه داران نوین موسیقی ایرانی شناخته شدند و پرویز مشکاتیان هم بعداً به آلبوم «وین لسل جوان انقلابی آن روزگار، جایی محکم و شایسته پیدا کردند. با آثار آنها بود که موسیقی ایرانی، رنگ و بو و ضرابهنگی سیاسی یافت و صدای رسای انقلاب ملت ایران در دوران براندازی رژیم پهلوی شد و از آن نقش همیشگی و ماندگار شده خود همان گوشه نشینی و صوری از جریان های اجتماعی عدول کرد. این سیلان پرشور و انقلابی، ادامه داشت تا این که حوادث نامطلوب، جریان آن را برید و موسیقیدانان را مجبور به مهاجرت اجباری کرد. علیزاده به آلمان رفت و از این فرصت نیز برای آموختن هر چه بیشتر استفاده کرد. گوئی که قلیش برای وطن می تپید و قطعه «هجرتی» یادگار این ایام است. همچنین تدوین نهایی قطعه «نی نوا» (نوازی نی) که قبل از انقلاب نوشته بود و اجرای آن در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲ طولانی در دوران جامعه ایران و مردم چنگ دیده ایجاد کرد. هنوز هم این قطعه با یاد خون و حماسه مردم ایران آمیخته است. بعد از بازگشت به ایران، او نیروی بیشتری به کار برداشت و کارنامه ای پررویمان با حجم شگفت انگیز از آثار متعدد را بر جا گذاشت. تعداد قابل توجهی نوار و سی دی (پیش از هر آهنگساز و نوازنده دیگری در نسل خود) چندین و چند کتاب چاپ شده در ده سال گذشته و خلاصت هنری از جمله ده قطعه برای تار در چند آموزش، آثار و نوار و ... و نیز آلبومهای بسیار در داخل ای خارج از کشور تا همین چند سال پیش، او شاید از نوازندگان و آهنگسازان استثنایی ای بود که نامش در اوقات بالاتر و نامتاری از خواننده های همعصرش، عنوان می شد (موردی که در موسیقی ایرانی کمبای شعر محوری و خواننده سارلی و توجه به رنگ آمیزی های تازه و پیدان کردن تکنیک های است) کنسرت بزرگ او در تالار وحدت و اجرای قطعه «شور انگیز» (نوازی جیتال پر انگیز و جریان سازی چون نوبلنگ کهن، کار آگستر) و در ترکمن (تک نوازی سه تار) از پرویزمشکاتیان و نوازهای ایران (در موسیقی دهه ۱۳۷۰ بوده است. تلاش در ایجاد یک نوع موسیقی نوین ایرانی، می نیز از شعر و خواننده در شکل سنتی، آن گریز از شعر محوری و خواننده سارلی و توجه به رنگ آمیزی های تازه و پیدان کردن تکنیک های استفاده شده در ساخت و اجرا ی قطعات، همیشه از مساعی حسین علیزاده شمرده شده است و نیز موسیقی او ای قلمی است که در این سالها به تولید بازی از این نوع موسیقی توسط او منجر شد.

او در کنار این فعالیتها، در جنبه های دیگری نیز حضور داشته است: ریاست هنرستان موسیقی (دوره کوتاه)، حضور در شورای عالی خانه موسیقی ایران (دوره کوتاهتر)، تحقیق و نگه داری ها و نوازهای ایران (دوره کوتاه)، حضور در هیات داوران جشن بین شهزاده تدریس در دانشکده هنرهای دانشگاه کالیفرنیا، حضور در هیات داوران جشن شهزاده تخصصی در کنسرت های سراسر دنیا همراه با شجریان (پدر و پسر) و کچان کچان، ساختن چند موسیقی فیلم مانند گار و درخشان، تدریس و ... همه و همه، برگ هایی از زندگی سراسر حرکت و هیجان و مبارزه و است. زندگی ای که در ابتدای ششمین دهه از عمر، یک دنیا طرح ها و ایده های تازه را در درونش نگهداری می کند و مرتد فرصتی دیگر برای اجرا و ابراز است.

Iran Air دوبی ۴۴ توروز ۲۰۰۷

Mahan Air آنتالیا ۴۴ توروز ۲۰۰۷

اردن لبنان سوریه کویت ۴۴ توروز ۲۰۰۷

تورهای لوکس خانوادگی چین سنگاپور هند مالزی دوبی آنتالیا

Iran Air قبرسی ۴۴ توروز ۲۰۰۷

مرکز تورهای آرتالیا ۴۴ توروز ۲۰۰۷

فول چارتر کاسپین - دبی ۵۰۴۴

Iran Air دوبی ۴۴ توروز ۲۰۰۷

Mahan Air تونس ۴۴ توروز ۲۰۰۷

آگهی مزایده بهره برداری ماشین آلات کارخانه خانه های پیش ساخته

Mahan Air دوبی ۴۴ توروز ۲۰۰۷

دبی چین مالزی هند سنگاپور ۴۴ توروز ۲۰۰۷

آگهی مزایده عمومی شماره ۸۳/۵

Mahan Air مالزی ۴۴ توروز ۲۰۰۷

دبی ترکیه (آنتالیا) مالزی ۴۴ توروز ۲۰۰۷